

مدعیان بهشت!؟

ادعای این که فقط هم دینان ما به بهشت می‌روند و بقیه جهنمی هستند! به گوش همه آشناست؛ از مسیحیانی که معتقدند شرط ورود به بهشت، فقط باور به نجات بخش بودن حضرت عیسی است و گناه بخشی و فروش زمین‌های بهشت تجارت سودآوری برای ارباب کلیسا در قرون وسطی بوده است، تا یهودیانی که خود را قوم برگزیده و سوگلی خدا می‌دانند، و بالاخره مسلمانانی که ۷۲ فرقه شدند و هرکدام تنها خود را فرقه ناجیه می‌دانند!

درک موضوع بهشت و جهنم، تابعی است از آینده نگری انسان و عمق نگاهش به عبرت از گذشته و برنامه ریزی برای آینده. می‌دانیم کودکان در زمان حال و لحظه حاضر زندگی می‌کنند و مغز آنان، همچون اندامشان، هنوز به چنان حافظه و هوشی دست نیافته که هم گذشته را بخاطر بسپارد و هم به فکر آینده باشد. به همین دلیل کودکان حافظه‌ای سطحی دارند و به زودی دعوی والدین را فراموش می‌کنند و کینه‌ای را به دل نمی‌گیرند. علاوه بر آن، همه چیز را زود و زیاد و با زور طلب می‌کنند و وعده فردا گریه‌شان را ساکت نمی‌سازد!

بنی‌آدم نیز دوران طفولیت، نوجوانی و جوانی و بلوغ داشته است. طبیعی است که در ادیان قدیمی شرق آسیا که متعلق به دوران طفولیت انسان هستند (همچنین در غرب عالم و باورهای مایاها و اینکاها) کمتر به نشانه‌هایی از بهشت و جهنم بر می‌خوریم. در مورد شریعت‌های ابراهیمی نیز اشارات تورات به آخرت و بهشت و جهنم کمتر از انجیل، و اشارات انجیل نیز بسیار کمتر از قرآن است، که بیش از نیمی از حجم آن مربوط به تاریخ گذشته انسان و سرنوشت آینده او در جهانی دیگر است. بالاخره رشد بشر در طی قرن‌ها فاصله‌ای که میان هر یک از این شرایع بوده، زمینه را به تدریج برای فهم و قبول و آماده شدن برای آینده مهیا ساخته است.

اشارات زیرنمونه‌هایی است از هدایت‌های قرآنی برای زندگی آینده و نقد نظریات تعصب آمیز نژادی، فرقه‌ای و دینی که با دیدی تنگ نظرانه بهشت را منحصر به هم‌باوران خود تصور می‌کنند.

۱- نقد ادعاهای اهل کتاب در انحصار بهشت

بقره ۱۱۱ تا ۱۱۳ - وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ . بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۗ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ قَالَ لَهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ .

(یهودیان و مسیحیان) گفتند هرگز کسی جز یهودی و مسیحی به بهشت داخل نخواهد شد. این خوش خیالی آنهاست؛ بگو اگر راست می‌گویند دلالتان را بیاورید. آری هرکس جهت زندگی خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش محفوظ است و ترس و اندوهی نخواهد داشت. یهودیان گفتند مسیحیان هیچ ارزشی ندارند، مسیحیان نیز گفتند یهودیان هیچ ارزشی ندارند! درحالی که (هر دو دسته) کتاب (آسمانی) را می‌خوانند. مردم ناآگاه نیز همین سخن را گفتند و خدا روز قیامت در موارد اختلافشان داوری خواهد کرد.

نساء ۱۲۳ تا ۱۲۵ - لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلَ الْكِتَابِ ۗ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا . وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا . وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

نه به آرزوهای خوش خیالانه شماست و نه اهل کتاب. هرکس کار بدی کند، کيفرش را می‌بیند و در برابر (قانون) خدا برای خود یار و یآوری نخواهد یافت. هرکه نیکوکاری کند، چه مرد چه زن، راهی بهشت خواهد شد و ذره‌ای از زحمتش نادیده گرفته نمی‌شود. چه کسی از آنکه جهت زندگی خویش تسلیم خدا کرده، نیکوکار و پیرو آئین ابراهیم بوده باشد، نکوتر است. و خداوند ابراهیم را به دوستی برگزید.

بقره ۹۴ و ۹۵ - قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . وَلَنْ يَمَمَّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ.

(به یهودیان) بگو: اگر سرای آخرت نزد خدا ویژه شماست و نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویند، آرزوی مرگ کنید (تا به بهشت درآیند)! ولی آنها بخاطر کردارشان هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد و خدا به ستمگران داناست.

بقره ۸۰ - وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُمْ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

یهودیان گفتند: آتش دوزخ جز چند روزی معین به ما نخواهد رسید؛ بگو: مگر با خدا پیمانی بسته‌اید که او چنین تعهدی داشته باشد؟ یا ندانسته چیزی را به خدا نسبت می‌دهید؟

هشدار به مسلمانان

بقره ۲۱۴ - أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِ البَّاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

شما حساب کردید (همین طوری) داخل بهشت می‌شوید؟ مگر خبر مشکلات (مؤمنین) پیش از خودتان را دریافت نکرده‌اید؟ آنها چنان گرفتار سختی و پریشانی شدند که (حتی) پیامبر و مؤمنین همراهش گفتند: پس یاری خدا کی می‌رسد؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.

شرایط وصول به بهشت

بر حسب تأکیدات قرآن، برای ورود به بهشت، کارت عضویت دین و آئین ویژه‌ای مطالبه نمی‌گردد؛ فرق نمی‌کند مسلمان، یهودی، مسیحی، صابئی یا پیرو هر آئینی باشد؛ همین که واجد سه شرط: ۱- ایمان به خدا، ۲- باور آخرت، ۳- نیک رفتار باشد، به بهشت در می‌آید و نه ترسی خواهد داشت و نه اندوهگین می‌شود:

بقره ۶۲ و مائده ۶۹ - إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

در ده‌ها آیه قرآن، شرط وصول به بهشت را نه داشتن شناسنامه يك دین، بلکه دو شرط: "ایمان" و "عمل صالح" همچون دو پای چپ و راست برای رفتن به سوی بهشت شمرده است. علاوه بر آنها، آیات زیر نیز گویای شرط عمل برای سعادت است، به خصوص نخستین آیه که ده شرط را برای بهشت پیشنهاد کرده است:

آل عمران ۱۳۳ تا ۱۳۶ - وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ . وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ . أُولَئِكَ جَزَاءُ هُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

بشتابید به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی فراهم شده برای پرهیزکاران، که پهنه آن همچون پهنه آسمانها و زمین است. همانها که در آسایش و سختی انفاق می‌کنند، خشم خویش فرو می‌نشانند، از خطای مردم در می‌گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که هرگاه مرتکب کار زشتی شوند، یا بر خویشتن ستمی روا دارند، خدای را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان از خدا آمرزش خواهند، و جز خدا چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟ و آگاهانه بر گناهی که کرده‌اند ادامه نمی‌دهند. پاداش آنها آمرزش پروردگارشان و باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از دامن آن جاری است و جاودانه در آن به سر می‌برند. و چه نیکوست اجر عمل‌کنندگان.

حدید ۲۱- سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

از یکدیگر پیشی بگیرد به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی به پهناهی همچون پهنا آسمان و زمین که برای مؤمنین به خدا و رسولش مهیا گردیده است. این فضل خداست که به هر که از بندگان شایسته بداند می‌بخشد و خدا صاحب فضل عظیم است.

در برخی آیات از صفاتی دیگر نام برده است، مثل تقوا، صبر و... نگاه کنید

مریم ۶۳- تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَوَّابًا

این بهشتی است که به هر یک از بندگانمان که پرهیزکار باشد میراث می‌بخشیم.

انسان ۱۲- وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا

و(خدا) به خاطر پایداری که کردند بهشت و آزادی پاداششان داد.

فصلت ۳۰- إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

آنها که اعلام (مواضع) کردند که صاحب اختیار ما خداست، آنگاه (با سر باز زدن از اطاعت غیر خدا) استقامت کردند، فرشتگان بر آنها فرود می‌آیند و (می‌گویند): مترسید و اندوهگین نباشید و بشارت باد بر شما بهشت موعودتان.

نازعات ۴۰ و ۴۱- وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

و اما هر کس از مقام پروردگار خویش بیم داشته و نفس را از هوس بد بازدارد، پس بهشت همان جایگاه اوست.

اصولاً بهشتی یا جهنمی شدن فرآیندی تدریجی و طولانی در تمام عمر است که شخصیت یک فرد را شکل می‌دهد. قرآن بهشتیان را اصحاب الجنة (۱۴ بار) و جهنمیان را اصحاب النار (۲۰ بار)، اصحاب الجحیم (۶ بار) و اصحاب السعیر (۳ بار) نامیده است. توجه به معنای این واژه روشن کننده دلیل نائل شدن به چنان سرنوشت نیک و بدی می‌باشد؛ "اصحاب" جمع صاحب است. کلمه صاحب در ادبیات فارسی معنای مالک می‌دهد، مثل صاحب خانه. گفتگوی با دیگران را نیز "صحبت" می‌گویند، هر چند از نظر لغوی چنین کاربردی بدون اشکال است، اما در زبان عربی این معانی معمول نیست. عرب‌ها بیشتر به دوست و رفیق که همراهی و همنشینی دائمی با کسی دارد "صاحب" می‌گویند. مثل یاران رسول خدا، "صحابه رسول" یا "اصحاب الرسول" که همیشه با او بودند. یا اصحاب موسی.

در قرآن کلمه "اصحاب" گاهی معنای ملازمت مکانی می‌دهد، مثل: اصحاب المدین (هم شهریان)، اصحاب الحجر (ساکنین منطقه کوهستانی)، اصحاب الایکه (ساکنین بیسه یا جنگل)، اصحاب القریه (ساکنین قریه)، اصحاب کهف (غارنشینان)، اصحاب القبور (در گور خفتگان).

گاهی ملازمت و ارتباطشان با یک واقعه و موضوع تاریخی آنها را معروف و مشخص می‌کند، مثل: اصحاب الفیل (سپاه ابرهه که پشت پیل حرکت می‌کردند)، اصحاب السفینه (کشتی نشینان همراه نوح)، اصحاب الاخدود (درگودال کشته شدگان).

در مواردی ملازمت و اهلیت با مقام و موقعیتی بد یا خوب، معرف گروهی می‌شود، مثل: اصحاب اعراف (انسان‌های بلند مرتبه و بالا مقام)، اصحاب الیمین = اصحاب الیمین (انسان‌های خجسته و راست کردار)، اصحاب المشئمه = اصحاب الشمال (یاران شومی و شر)، اصحاب الصراط السوی (یاران راه راست).

به همین ترتیب اصحاب النار (یاران آتش) یا اصحاب الجنة (یاران بهشت)، نوعی سنخیت و هم جنس بودن شخصیتی و ملازمت وجودی را می‌رساند. آدمیان در مدت عمر خود، همچون مجسمه ساز، سرنوشت خود را متناسب با محیط بهشت یا جهنم می‌سازند!

عذاب، همان عوارض و آثار گناه است که اگر انسان بتواند با توبه و تسلیم و تبعیت از حق خود را از آن دور بدارد، به رستگاری نهائی و بهشت موعود نائل شده است:

آل عمران ۱۸۵- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ حَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ

هرکسی طعم مرگ را می‌چشد؛ و مسلماً روز رستاخیز پاداشتان به تمامی داده می‌شود؛ و هر که از آتش دوزخ برکنار مانده و به بهشت درآورده شود، برآستی کامیاب شده است و زندگی دنیا جز بر خورداری فریبا نیست.

کلمه "زحرح" در آیه فوق، "کنار شدن و کناره گرفتن" را می‌رساند که نوعی احتراز از اعمال جهنمی در مدت عمر است. در جهت مخالف، ارتکاب دائمی زشتی‌ها و "تراکم" گناه تا جایی است که همچون سرطان بر همه وجود آدمی احاطه کند:

بقره ۸۱- بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

آری هرکس مرتکب بدی شود و آثار خطاها سراسر وجودش را بگیرد، آنها جاودانه دوزخی‌اند.

انفال ۳۷- لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

(حوادث جریان می‌یابد) تا خدا پلید را از پاک متمایز سازد و پلیدها را به یکدیگر ملحق و جملگی را مجتمع کند و به دوزخ در آورد، آنان زیانکارند.

عنکبوت ۵۴- يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

(ای پیامبر) از تو منکرانه طلب عذاب می‌کنند، در حالی که جهنم بر کافران احاطه دارد (بیرونی نیست)!

به تعبیر قرآن بهشت، نه جایزه‌ای از بیرون، میراثی از درون انسان است که به او برمی‌گردد. بهشت را سازندگان آن در طول تاریخ، به نسبتی که در ساختمان آن مشارکت داشته‌اند، صاحب می‌شوند. این حقیقتی است که در آیات متعددی (۱)، از جمله آیه زیر به آن تصریح شده است:

اعراف ۴۳- وَتُؤْتُوا أَنْ تَلْكُمُ الْجَنَّةُ أورثتموها بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

... به آنها ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که بخاطر اعمال مستمردان میراث داده می‌شوید.

بهشتی شدن، نوعی اندازه و تناسب پیدا کردن با آن مقام و موقعیت است. این حقیقت را قرآن در قالب مثالی قابل فهم برای همگان مجسم کرده است؛ مثال نخ و سوزن! اگر شتر (که در چشم اعراب بزرگ می‌آمده) یا طناب کشتی از سوراخ سوزن عبور کند، تکذیب کنندگان آیات و خود بزرگ شماران هم می‌توانند وارد بهشت گردند:

اعراف ۴۰- إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَأُفَتَحَنَّ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَآ يُدْخَلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ ۗ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

آنهايي که نشانه‌های ما را دروغ شمردند و از قبول آن تکبر ورزیدند، درهای آسمان به روی آنها گشوده نمی‌گردد و به بهشت در نمی‌آیند، مگر آنکه شتر (یا طناب کشتی) از سوراخ سوزن بگذرد! بزهاران را این گونه کیفر می‌دهیم.

۱- از جمله اعراف ۴۳ و ۱۲۸، مریم ۶۳، انبیاء ۱۰۵، مومنون ۱۱ و ۱۰، شعراء ۸۵، زمر ۷۴، زخرف ۷۲